

پیشگفتار

نمی‌دهد و موافقان را از موضع احتیاط آمیزشان دور نمی‌کند.^۷

اتحادیه پیشتر گسترش یافته بود و چندی پیش نیز در مورد عضویت کرواسی، رومانی و بلغارستان که مدتی پس از ترکیه وارد گود شده‌اند، تصمیم‌گیری کرد.^۶ چرا هر يك از روندهای نامزدی، آغاز مذاکرات و سرانجام پیوستن برای ترکیه پر از خار و خاشاک و اینقدر طولانی است؟ در این مقاله نخست تلاشهای ترکیه برای عضویت، دلایل این کشور برای پیوستن به اتحادیه و اصلاحات انجام شده، بررسی می‌شود و سپس دودستگی آراء و استدلال‌های موافقان و مخالفان در همه سطوح مورد کاوش قرار می‌گیرد، ارزیابی گزارش کمیسیون و تضمینهای آن بخش دیگری از این نوشتار است. از اثر آغاز مذاکرات برای خود ترکیه، اروپا و کشورهای دیگر نیز جابه‌جا گفتگو و سرانجام نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

تلاش طولانی ترکیه

برای اروپایی شدن

برخی آغاز تاریخ پیوند ترکیه با اروپا را از زمان حکومت پیشین آن، یعنی امپراتوری عثمانی و از جنگ کریمه می‌دانند؛ زمانی که در کنار انگلستان و فرانسه با روسیه جنگید و با عضویت در «کنسرت اروپایی» سیاست نگرش به غرب و تمایل به اروپایی بودن را به نمایش درآورد.^{vii}

«اروپایی شدن» ترکیه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری ترکیه امروزی به صورت جدی آغاز شد.^{viii} از آن زمان، بیش از هر هدف دیگری، اروپایی بودن هدف اصلی ترکیه شد. کمال اتاتورک با پیروی از اندیشه جدایی دین از سیاست، بسیاری از مظاهر زندگی غربی را در جامعه ترکیه با اکثریت مسلمان وارد کرد.^{ix}

پیوند اصلی ترکیه با اروپا و با غرب با پایان جنگ جهانی دوم، بیشتر در سطح سیاسی، نظامی و اجتماعی گره خورد. از نظر اجتماعی و اقتصادی حضور هزاران کارگر ترك در اروپا به ویژه در آلمان، نوعی وابستگی دوجانبه را سبب شد. از يك سو اروپا و به ویژه آلمان از نیروی کار ارزان ترکیه بهره

در چهارم آذر ۱۳۸۳ برابر با ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴، سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، «توصیه» مورخ ۶ اکتبر «کمیسیون اروپا» برای «آغاز مذاکرات پیوستن» با ترکیه را در پی بحثهای شدید، پذیرفتند. این تصمیم، پایان روندی سخت و آغاز راهی سختتر به امید روزهای بهتر برای ترکیه، شروع قمار برای اروپا و تحولی چشمگیر در روابط بین الملل به شمار می‌رود و بی‌گمان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ترکیه، اروپا، کشورهای همسایه ترکیه و نیز تمام جهان شمرده می‌شود.

ترکیه راهی پرفراز و نشیب، و زمانی چهل ساله پیمود تا در برزخ مذاکراتی که از ۳ اکتبر ۲۰۰۴ آغاز شد برای دست کم ده سال دیگر خود را برای ورود به بهشت موعود آماده سازد! گفته می‌شود که این کشور در دو سال گذشته، برای احراز «شرایط اجلاس کپنهاگ اتحادیه اروپا»، (۲۰۰۲) بیش از ۲۰ سال گذشته اصلاحات انجام داده است.

تصمیم اتحادیه به سادگی گرفته نشد و این موضوع در واقع اروپا را دچار دودستگی کرد. اختلاف بین مردم، احزاب، کابینه‌ها و کشورها مشاهده می‌شد. حتی در برخی موارد بین گروهها و دسته‌های يك حزب، اتفاق رأی نبود! در واقع پس از جنگ عراق موضوع عضویت ترکیه مقام دوم را در بحثهای جدایی‌انگیز اخیر در اروپا داشته، ولی تصمیم کمیسیون و در پی آن تصمیم پارلمان و سران نشان دهنده برتری آرای مثبت بر آرای منفی است. به هر صورت آرای منفی نباید نادیده گرفته شود.ⁱⁱⁱ ۲۶۲ رأی منفی و ۲۹ غایب، همراه با نظر مثبت ۲۹۱ نماینده پارلمان اروپا، بازتابی از رأی مردم و گروههای گوناگونی است که آنها را راهی پارلمان اروپا کرده‌اند.^{iv}

پذیرش ترکیه با ۷۰ میلیون جمعیت که بیشتر آنها مسلمان‌اند، یکی از پررشدترین و فقیرترین اقتصادهای دنیا و شرایط جغرافیایی نیمه اروپایی و نیمه آسیایی، برای برخی از اروپائیان فرصت خام از دست ندادنی سیاسی و اقتصادی و برای برخی دیگر فاجعه‌ای جبران‌نشده به شمار می‌رود. تصمیم به شروع مذاکرات، نظر مخالفان را تغییر

ترکیه و

اتحادیه اروپا:

دودستگی آراء

دکتر زهرانوح پرست
بزهشگر در زمینه حقوق
و روابط بین الملل

اروپا برای عضویت می‌کوبید، کشورهای زیادی به عضویت درآمدند. در ماه مه سال گذشته، ده کشور هم‌زمان به اتحادیه پیوستند که برخی همچون استونی، لتونی و لیتوانی تافروپاشی شوروی بخشی از آن امپراتوری بودند و برخی دیگر مانند لهستان، اسلوواکی و چک از اقمار آن بشمار می‌رفتند. چندی پیش نیز اتحادیه آغاز مذاکرات عضویت کرواسی را برای مارس ۲۰۰۵ و عضویت بلغارستان و رومانی را برای سال ۲۰۰۷ در نظر گرفت.

چرا عضویت ترکیه به عقب افتاد و چرا این کشور با پافشاری و به هر قیمتی در پی پیوستن به اتحادیه است؟

دلایل ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا

بر پایه استدلال ترکیه، عضویت در اتحادیه سبب تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور خواهد شد که دسته‌ای بطور مستقیم به دست می‌آید و دسته‌ای دیگر به پیروی از تحولات رخ می‌دهد. از دلایلی که بیشتر صاحب‌نظران سیاسی در مورد پافشاری ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دست می‌دهند موارد زیر است:

ایجاد ثبات و امنیت سیاسی بیشتر؛ ایجاد تعادل در جهت کاهش قدرت نظامیان؛ ادامه و تقویت جدایی دین از سیاست؛ بهره‌مندی از مزایای اقتصادی عضویت در اتحادیه اروپا؛ جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش بیکاری و بدهیهای کشور؛ انتقال دانش و فناوری و برآوردن منافع مالی؛ بی‌اثر کردن تلاشهای مخالفین کشور، مانند یونان در اتحادیه؛ داشتن اهرمی در بهبود روابط با همسایگان آسیایی و افزایش نفوذ در خاور میانه.

همان‌گونه که گذشت ترکیه شانس عضویت در بازار مشترک را چندی از دست داد، درحالی‌که حکومت‌های این کشور، از هر جناح و گروهی هیچ‌گاه برای اروپایی شدن تردید به خود راه نداده‌اند. در این روند ارتش این کشور همواره نقشی دوگانه در اروپایی کردن و هم‌زمان کنترل آن

می‌برد و از سوی دیگر دستمزد کارگران منبع درآمد چشمگیری برای ترکیه بود.

از نظر سیاسی و نظامی، عضویت ترکیه در ناتو، از سال ۱۹۵۲ این کشور را در مدار روند سیاسی نظامی غرب و دیوار جدایی و ابزار کاربرد سیاست «جلوگیری از نفوذ کمونیسم» در آورد. با فروپاشی کمونیسم، برای دوره‌ای کوتاه، به نظر می‌رسید که ترکیه دیگر اهمیت خود را از این نظر از دست داده است، ولی به زودی با حمله عراق به کویت و جنگ اول خلیج فارس، یعنی عملیات ائتلاف بهر هبری آمریکا به نام «طوفان صحرا» ادامه نقش ترکیه در لباس هم‌پیمانی ارزشمند برای غرب به آزمایش گذاشته شد.

ارتباط ترکیه با اتحادیه اروپا و پیش از آن «جامعه اقتصادی اروپا» به تاریخ تشکیل آن جامعه برمی‌گردد. با پشتیبانی شارل دوگل این کشور از ۱۹۶۳ به شکل «عضو وابسته» جامعه اقتصادی اروپا که در آن زمان تنها ۶ عضو داشت، درآمد. پیش از آن نیز در ۱۹۴۹ به «عضویت شورای اروپا» پذیرفته شد.^x در دهه ۱۹۷۰ ترکیه می‌توانست مذاکرات برای عضویت را آغاز کند، ولی تردید کرد و دعوت به مذاکرات را به سبب برخی ملاحظات سیاسی و اقتصادی رد کرد. سیاستمداران ملی‌گرای کشور بیشتر طرفدار نظام اقتصادی حمایتی بودند، زیرا بر آن بودند که جامعه اروپا، اتحادیه از کشورهای مسیحی اروپایی است و عضویت ترکیه، منافع این کشور را بر آورده نمی‌کند. در حالیکه یونان رقیب ترکیه با شدت و تندی به پیش‌راند و به اتحادیه اروپا پیوست. هنگامی که در سال ۱۹۸۷، ترکیه به خود آمد و درخواست پیوستن به باشگاه پر قدرت اقتصادی اروپا را مطرح کرد خیلی دیر بود، به تدریج مشتریان زیادی در پشت در طلایی اتحادیه به صف ایستادند و گذشته از آن، کم‌کم، کشورهای اروپایی شرقی و کشورهای از بند جسته شوروی کمابیش همه در پی پیوستن بودند و سیاست روز ایجاب می‌کرد که اولویت به آنها داده شود، در نتیجه ترکیه با شکست‌باری سالها در انتظار ماند.^{xi} تا آنکه نام این کشور در سال ۱۹۹۹ بطور رسمی به عنوان نامزد عضویت اعلام شد. در پانزده سالی که ترکیه بر در

○ برخی آغاز تاریخ پیوند ترکیه با اروپا را از زمان حکومت پیشین آن، یعنی امپراتوری عثمانی و از جنگ کریمه می‌دانند؛ زمانی که در کنار انگلستان و فرانسه با روسیه جنگید و با عضویت در «کنسرت اروپایی» سیاست نگرش به غرب و تمایل به اروپایی بودن را به نمایش در آورد.

می‌افزاید و از این راه از نرخ بیکاری و نیز میزان بدهی ۲۰۸ میلیارد دلاری خود خواهد کاست. به دلیل واقعیت‌های سیاسی موجود و رویدادهای دو دهه اخیر در خاورمیانه و کشورهای همسایه، ترکیه مایل است که به جای خیالبافی در مورد اتحاد اقتصادی با کشورهای خاورمیانه یا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، منافع اقتصادی و سیاسی خود را با پیوستن به اتحادیه اروپا تأمین کند. حاکمان ترکیه تأکید زیادی در جلوگیری از زنده شدن اسلام‌گرایی تند دارند، به ویژه گونه‌هایی که در برخی کشورهای اسلامی همچون مصر و الجزایر به چشم می‌خورد. به نظر آنها عضویت در اتحادیه اروپا در تأمین این هدف می‌تواند اثر زیادی داشته باشد.

همچنین ترکیه بر این باورند که امید به پیوستن، انگیزه‌ای بسیار نیرومند برای ادامه اصلاحات است و اصلاحات وسیع در دو سال گذشته را بهترین شاهد این مدعا می‌گیرند.

اصلاحات

ترکیه با در نظر داشتن دلایل بالا و با اعتقاد راسخ به جبران تأخیر در عضویت، از سال ۱۹۹۹ با طرح‌های ضربتی و اجرای دیپلماسی مستمر و پیگیر موضوع عضویت در اتحادیه را پیگیری کرده و مرتب بر سرعت و شدت اصلاحات افزوده است. تا اوت ۲۰۰۲ سه رشته اصلاحات را بر پایه خطوط ترسیم شده کمیسیون اروپا شامل، از بین بردن مجازات اعدام، اعطای حقوق مربوط به زبان و تحصیلات به اقلیت کرد، اصلاحات مربوط به برقراری اقتصاد آزاد و نیز در دو سال گذشته، اصلاحات بیشتر برای تأمین «معیارهای کینهاگ»، را انجام داده است.

در این راه ترکیه مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته و مشکلات بیشتری پیش رو دارد که یکی از آنها رویارویی با معمای «ایجاد تعادل بین دموکراسی و اسلام‌گرایی» است. از یک سو گرایشهای سیاسی تند برخی از احزاب و گروه‌ها را باید مهار کند و از سوی دیگر می‌بایستی تمام اقدامات دولت به شیوه دموکراتیک انجام شود. همچنین در این راه برخی بهانه تراشیهایی اروپا را

در مواردی که امنیت کشور چه از داخل و چه از خارج در خطر بوده بر عهده داشته است. مدارس نظامی با معیار بالای تحصیلی اساساً قشر تحصیلکرده متخصصی را که به نزدیکی با غرب تمایل دارند تربیت می‌کند. در همان حال شرایط جنگ سرد و پس از آن درگیرهای نظامی با کردها و قفقز ای در حرکت به سوی دموکراسی و قرار گرفتن در جرگه کشورهای اروپایی بوجود آورد. تاریخ گذشته شاهد موارد زیادی از دخالت نظامیان در جهت محدود کردن دموکراسی از راه تسلط نظامی و کودتا در دهه ۱۹۶۰، دهه ۱۹۷۰ و حتی در دهه ۱۹۸۰ است؛ امری که در شرایط حاضر دیگر پذیرفته نیست و زمامداران و سیاستمداران ترکیه برای جلوگیری از آن و کاستن از قدرت نظامیان تلاش می‌کنند و بهترین تضمین برای ادامه اصلاحات دموکراتیک را دخالت عامل و انگیزه‌ای خارج از نظام سیاسی می‌دانند. سیاستمداران ترکیه بر آنند که عضویت در اتحادیه نوعی نظارت دائمی بر امور را فراهم می‌آورد و خواه ناخواه به ارتقاء دموکراسی یاری می‌کند. همچنین پیوستن به اتحادیه، ثبات سیاسی و امنیت کشور را از راه‌های گوناگون سبب می‌شود.

دیگر آنکه عضویت ترکیه به نوسازی نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از راه‌های گوناگون کمک خواهد کرد. همچنین دسترسی به تریبون‌های متنوع همچون پارلمان اروپا، شورای اروپایی و دیگر ارکان اصلی و فرعی اتحادیه را به گونه دائمی تأمین می‌کند و فرصتی را در اختیار این کشور می‌گذارد که بتواند بدگمانی‌های گوناگون را از میان ببرد. برای نمونه در برابر سیاستهای یونان موضع خود را تشریح و تقویت کند.^{xiii} در موارد زیادی همچون موافقتنامه تجارت آزاد و صدور فولاد، یونان با بهره‌مندی از حق و توجوی قوانینی را که می‌توانست منافع مالی، علمی و فناوری برای ترکیه داشته باشد گرفت. پس بدون عضویت کامل، راه‌های دیگر، مانند موافقتنامه همکاری و یا «عضو وابسته» نمی‌تواند منافع ترکیه را تأمین کند.

ترکیه عقیده دارد که پیوستن به اتحادیه اروپا به میزان اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به این کشور

○ «اروپایی شدن» ترکیه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری ترکیه امروزی به صورت جدی آغاز شد. از آن زمان، بیش از هر هدف دیگری، اروپایی بودن هدف اصلی ترکیه شد. کمال آتاتورک با پیروی از اندیشه جدایی دین از سیاست، بسیاری از مظاهر زندگی غربی را در جامعه ترکیه با اکثریت مسلمان وارد کرد.

این فرصت را از ترکیه گرفت که شیوه گذشته خود را مبنی بر سیاست دوگام به پیش یک گام به پس ادامه دهد. تحولات یک سال گذشته و واکنش اتحادیه نشان داد که بی توجهی به خواست اروپا، این کشور را در پیوستن به اتحادیه با ناکامی روبرو خواهد کرد. محاکمه دوباره لیلان زان، حقوقدان کرد و اعتراض شدید و تهدید اتحادیه از همین نوع بود؛ تا آنجا که ترکیه ناگزیر وی را در ژوئن ۲۰۰۴ آزاد کرد یا در روزهای آخر ارائه گزارش «کمسیون مستقل» برای آغاز مذاکرات، گنجاندن «حق سنتی صیانت از ناموس» در حقوق کیفری، تهدیدات مستقیم دیگری را در مورد اثر این امر بر تصمیم گیری کمیسیون برای ارائه «توصیه» به همراه داشت.^{xv}

پیش به سوی عضویت کامل

ترکیه از آغاز تلاش برای پیوستن به اتحادیه، یعنی از سال ۱۹۸۷، به چیزی کمتر از عضویت کامل نیندیشیده و با تأکید و چندین بار در مناسبت‌های گوناگون، خواست خود را به میان کشیده است. تکیه بر مواد موافقتنامه ۱۹۶۳ برگ برنده حقوقی این کشور بشمار می‌رود و به ترکیه این حق را می‌دهد که چنین انتظاری داشته باشد و اگر تاکنون به آن نرسیده به دو سبب تعلل این کشور و نیز ترندهای بعدی از سوی برخی کشورهای و گروه‌های دست راستی اتحادیه است که در اروپایی بودن آن شک کرده‌اند. بسیاری از مخالفین عضویت کامل ترکیه، پیشنهاد دیگری را برای ارتباط این کشور با اتحادیه در چارچوب «عضو وابسته» و نظایر آن، در میان می‌گذارند که تمام آنها با شدت از سوی ترکیه رد می‌شود. این گرایش حتی تا چند روز پیش از ۱۷ سپتامبر در برخی از پایتخت‌های اروپایی به چشم می‌خورد. ولی موضع محکم رهبران ترکیه گمانی برای سیاستمداران ارشد اروپا باقی نگذارد که این کشور در نوع ارتباط خود سازش نخواهد کرد.^{xvi} در واقع کنار آمدن با این موضوع نوعی واقع‌گرایی را از سوی رهبران اروپا و حتی دنیا نشان می‌دهد.

پس از انتشار «توصیه کمیسیون مستقل ویژه بررسی پیوستن ترکیه» در ۶ اکتبر و تعیین شرایط

نیز باید تحمل کند. برای نمونه در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۲، اتحادیه اروپا اخطار داده بود که چنانچه ارتش، «حزب توسعه و عدالت» را به سبب پیشینه تمایلات اسلامی‌اش تحریم کند، این برداشت خواهد شد که ترکیه در پی نظام دموکراتیک نیست. جالب توجه آن است که هنگامی که ارتش پیروزی این حزب را در انتخابات تأیید و مورد پشتیبانی قرار داد، اروپا این نغمه را سر داد که نمی‌تواند کشوری را در اتحادیه راه دهد که از سوی اسلام‌گرایان اداره می‌شود.^{xiii}

اصلاحات قانون کیفری، موضوع دشوار دیگری شمرده می‌شود. ترکیه پس از ۷۸ سال بیشترین تغییرات را در قوانین جزایی خود در سپتامبر ۲۰۰۴ بوجود آورد. اغلب نیازها و ضروریات اجتماعی عامل اصلی اصلاحات قانونی به‌ویژه قانون کیفری است، ولی در دو سال گذشته دولت ترکیه همواره کوشیده تا بنا به ضرورت سیاسی و اقتصادی ناشی از معیارهای کپنهاگ و در راه تأمین نظر اتحادیه اروپا دست به اصلاحات قانونی گوناگون بزند که مشخص نیست جامعه آمادگی پذیرش برخی از آنها را داشته باشد. شاید حقوقی که یک شبه به شهروندان داده شده، هنوز جای خود را در اجتماع نیافته و اختلافات حقوقی و کیفری ناشی از آن مقدار بزرگی از دادخواست‌ها را به میان کشیده است، به گونه‌ای که دستگاه قضایی کشور به سختی باید بار آن را به‌دوش بکشد. برخی از اصلاحات قانونی به‌منظور دگرگونی در آداب و رسوم رایج و کهنه صورت می‌گیرد که در مدت زمانی قابل قبول و به تدریج باید تحول پذیرد.

همچنین اصلاحات سیاسی که ترکیه سالها در برابر آن ایستادگی می‌کرد، صورت گرفت و تحولاتی در جهت افزایش حکومت قانون و اعطای برخی حقوق سیاسی و آزادی‌های مطبوعاتی، رواج حقوق بشر، برقراری مجازات برای تجاوز به عنف، شکنجه و جرایم ناموسی مربوط به کودکان از این نوع بشمار می‌رود.

به هر رو ترکیه ناگزیر به اجرای معیارهایی است که برای این کشور تعیین شده است. موشکافی کلیه اقدامات این کشور در چند سال گذشته در زمینه‌های گوناگون مربوط به اصلاحات،

○ از نظر سیاسی و نظامی، عضویت ترکیه در ناتو، از سال ۱۹۵۲ این کشور را در مدار روند سیاسی-نظامی غرب و دیوار جدایی و ابزار کاربرد سیاست «جلوگیری از نفوذ کمونیسم» در آورد. با فروپاشی کمونیسم، برای دوره‌ای کوتاه، به نظر می‌رسید که ترکیه دیگر اهمیت خود را از این نظر از دست داده است، ولی به زودی با حمله عراق به کویت و جنگ اول خلیج فارس، یعنی عملیات ائتلاف به رهبری آمریکا به نام «طوفان صحرا» ادامه نقش ترکیه در لباس همپیمانان ارزشمند برای غرب به آزمایش گذاشته شد.

سخت و تازه برای شروع مذاکرات، جای گمان باقی نماند که با وجود پذیرش ضمنی، هنوز دودلی در اتحادیه وجود دارد به قول دولتمردان ترکیه، رهبران اتحادیه آماده اند ولی مردم اروپا هنوز آماده نیستند. ^{xvii}

عوامل غیر دولتی در روند عضویت

الف: اقلیت ترک در کشورهای اروپایی

ریشه‌های ارتباط تاریخی سیاسی، نظامی و فرهنگی ترکیه با اروپا را در چارچوب ناتو، شورای اروپا، جامعه اقتصادی اروپا دریافتیم؛ حال به گونه کنرا نگاهی به یکی از موارد تلخ و شیرین در رابطه اقتصادی و اجتماعی ترکیه یا اتحادیه اروپا می‌افکنیم. این عامل حضور اقلیت ترک در کشورهای اروپایی و اغلب در آلمان است.

بر پایه آمارها، ۳/۸ میلیون نفر ترک در اروپای غربی زندگی می‌کنند و از این عده بیش از ۲ میلیون نفر در آلمان بسر می‌برند. ترکها بعنوان نیروی کار ارزان، پس از جنگ جهانی دوم برای بازسازی برخی از کشورهای اروپایی بویژه آلمان به کار گمارده شدند. پس از مدتی عده‌ای به کشور خود بازگشتند و تعدادی نیز خانواده‌های خود را فراخواندند و کم کم مقیم شده و فرزندان آنها نیز به تابعیت آلمان درآمدند. از دهه ۱۹۶۰ به گونه بارزی به این افراد افزوده شد. حضور کارگران ترک که روزی یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی آلمان محسوب می‌شد، کم کم با ازدیاد نیروی کار محلی، جایگاه خود را از دست داد، به‌ویژه که بیشتر آنها خواهان اقامت بودند و کمتر خیال بازگشت به ترکیه را داشتند. رویه‌ای که آلمان‌ها در برابر این مهاجرین در پیش گرفتند، ترکهارا وادار به زنده کردن سنتهای اسلامی و ترسیم هاله حمایتی فرهنگی کرد، تا از این راه همراه با حفظ هویت خود به رفتار آلمانها یعنی شمردن آنها به عنوان شهروند دست دوم، پاسخ دهند. زنده کردن ارزشهای فرهنگی اسلامی از سوی ترکها سبب حساسیت بیشتر افراد بومی گشت. بر روی هم پیشینه اقلیت ترک در آلمان این واقعیت را نشان می‌دهد که هم در میان ترکها و هم در میان مردم میزبان، مقدار نرمش همه به یک اندازه نیست.

همانگونه که عده‌ای از ترکها به ادغام در جامعه اروپایی و پذیرش برخی از ارزشهای فرهنگی غربی تمایل دارند، برخی از افراد محلی هم ظرفیت پذیرش مهاجرینی را دارند که بر متفاوت بودن خود پافشاری نکنند. اما دولت آلمان بدون توجه به تمایلات این و آن به راهش ادامه می‌دهد. به‌ویژه دولت سرودر که توفیق خود در انتخابات را مرهون رأی دهندگان ترک می‌داند و از پیوستن ترکیه بشدت حمایت می‌کند. ناگفته نماند که بیگانه‌ستیزی در بخش شرقی به نحو چشمگیری مشهود است که بر معادلات موجود در این مورد تا حدودی اثر می‌گذارد.

این تعامل فرهنگی و اجتماعی اگرچه نشان از مقاومت و ایستادگی ترکها دارد، به گونه‌ای پیش تجربه‌ای برای هر دو سو است، یعنی از یک سو به کشورهای اتحادیه نشان می‌دهد که اگر پس از پیوستن ترکیه، با اتباع آن رفتاری مساوی صورت نگیرد و فرهنگ اسلامی آنها هر قدر کمرنگ، نادیده گرفته شود، گونه‌ای بازپس گرای را در تحولات آتی در پی خواهد داشت. از سوی دیگر انتظار می‌رود که با بهره‌گیری از فرصت ده یا پانزده ساله، ترکیه صبورانه کار اصلاحات را به گونه‌ای پیش ببرد که خواسته‌های اروپائیان را که سالها به رویه ویژه‌ای خو گرفته‌اند، بر آورده سازد. به هر رو از نظر اجتماعی و فرهنگی پیمودن راهی که بیشتر اروپائیان، نیک یابد، دست کم صد سال پیش آغاز کردند در مدتی کوتاه ضرر و زیانهای جانبی خود را خواهد داشت. این سوای زمینه منفی است که اقدامات تروریستی یازده سپتامبر در اذهان غربیها ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که از آنچه بوی اسلام بنیادگرا می‌دهد کناره می‌جویند.

ب: گرایش اقلیت ترک

اقلیت ترک در روند سیاسی، اقتصادی داخلی و برون مرزی ترکیه همواره اثری چشمگیر و تعیین کننده داشته و این اثر به شکلهای گوناگون در سالهای گذشته در دگرگونی و تحول بوده است. ^{xviii} انجام اصلاحات اجتماعی، سیاسی با هدف عضویت در اتحادیه اروپا، تغییر پایه‌ای را در سیاست ترکیه برای دادن برخی حقوق و آزادیها به اقلیت ۱۲ میلیونی کرد آن کشور پدید آورد و در پی

○ از دلایلی که پیشتر صاحب نظران سیاسی در مورد پافشاری ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دست می‌دهند موارد زیر است:

ایجاد ثبات و امنیت سیاسی بیشتر؛ ایجاد تعادل در جهت کاهش قدرت نظامیان؛ ادامه و تقویت جدایی دین از سیاست؛ بهره‌مندی از مزایای اقتصادی عضویت در اتحادیه اروپا؛ جذب سرمایه گذاری خارجی و کاهش بیکاری و بدهیهای کشور؛ انتقال دانش و فناوری و برآوردن منافع مالی؛ بی اثر کردن تلاشهای مخالفان کشور، مانند یونان در اتحادیه؛ داشتن اهرمی در بهبود روابط با همسایگان آسیایی و افزایش نفوذ در خاور میانه.

○ به دلیل واقعیت‌های سیاسی موجود و رویدادهای دودهم اخیر در خاور میانه و کشورهای همسایه، ترکیه مایل است که به جای خیالبافی در مورد اتحاد اقتصادی با کشورهای خاور میانه یا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، خود را با پیوستن به اتحادیه اروپا تأمین کند.

روستاهای دوردست و نقاط دور کشور در اساس نباید با آن مخالفتی داشته باشد. از نظر اقتصادی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا یعنی افزایش مشاغل در داخل و فرصت‌های شغلی در خارج از کشور، زیرا با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود وضع اقتصادی، هر فردی شانس بیشتری برای اشتغال خواهد داشت. آنچه که شاید سبب نارضایتی باشد، نگرانی برخی از مردم برای حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی است که آن‌هم در بیش از هشت دهه، با تحولات مربوط به آن خو گرفته‌اند. مردم ترکیه وضعی غیر قابل سنجش با دیگر کشورهای مسلمان منطقه را تجربه کرده و به تحولاتی نظیر آن خو گرفته‌اند. یکی از موارد اجتناب‌ناپذیر در روند اصلاحات قانونی و حقوق بشری، برهم خوردن توازن کنونی در خانواده‌های سنتی به ضرر مردهاست که این شاید نارضایتی‌هایی به بار آورد. ولی ترکیه پیشتر نیز در جوامعی که زنان حقوق برابر با مردان دارند [مانند اروپا] حضور داشته و به این وضع خو گرفته‌اند.

برخی عقیده دارند که توده‌های مسلمان ترکیه موافق عضویت در اتحادیه اروپا نیستند. ولی شواهد محکمی بر اینکه تعداد قابل توجهی مخالف آن باشند، یا اینکه در چه شرایطی این مخالفت بروز خواهد کرد، در دست نیست. به هر حال با آنکه تنها دولت ترکیه عامل اصلاحات نبوده و جامعه مدنی نقش بسزایی در روند عضویت بازی کرده، باید پذیرفت که برعکس تحولات مشابه در کشورهای اروپایی، دگرگونی در این کشور پیشتر از بالا به پائین بوده است.^{xxiv}

استدلال طرفداران عضویت ترکیه

مواقفان عضویت ترکیه در همه سطوح دولتی، حزبی و مردمی در تمام کشورهای اتحادیه حضور دارند. آنها بیشتر دلایل زیر را به میان می‌کشند:

شرایط زمانی مناسب؛ شرایط استراتژیک ترکیه؛ نیروی کار؛ سهم ترکیه در دفاع از اروپا و سرانجام اینکه ترکیه هم‌اکنون نیز بخشی از اروپاست.

شرایط زمانی مناسب

برخی از تحلیل‌گران و سیاستمداران در

آن برخی از کردها همراه حمایت از کوشش‌های دولت برای عضویت، راه را برای تحقق این امر هموار می‌کنند. از نظر برخی مانند «لیلا زنان»، دیگر شعار بکش و کشته شو جایی ندارد، بلکه باید گفت زندگی کن و بگذار دیگران زندگی کنند.^{xix} او هدف خود را اینگونه توجیه می‌کند؛ مردم با زبانها و فرهنگهای گوناگون باید برادرانه در کنار یکدیگر زندگی کنند. لیلا دولت ترکیه را برای دگرگونی انقلابی در کشور در راه آغاز مذاکرات عضویت با اتحادیه می‌ستاید، ولی به هر رو به نظر او دولت باید با سرسختی بیشتر در دادن حقوق بیشتر، به کردها اقدام کند.

بیشتر کردها که وضع زمان و شرایط جهانی را درک می‌کنند، مصمم‌اند که به راه‌حلی صلح‌آمیز در چارچوب حفظ تمامیت ارضی ترکیه دست یابند.^{xx} پس از انفجار تروریستی یازده سپتامبر در مرکز تجارت جهانی نیویورک و در پی آن اجرای سیاست دولت آمریکا در رویارویی نظامی با تروریست‌ها، دیگر محلی برای اقدامات جدایی‌خواهانه و تروریستی در جهان وجود ندارد.*

چنانچه دیگر کردها هم با این روش با عضویت ترکیه در اتحادیه برخورد کنند، هم کار دولت آسان می‌شود و هم آنها در چارچوب اتحادیه از مقررات مساعد نسبت به اقلیتها برخوردار می‌شوند.

پ: تمایل مردم

اگر برای ارزیابی تمایل مردم ترکیه، مقالات و مصاحبه‌های رسانه‌های بین‌المللی و داخلی را بررسی کنیم می‌بینیم که بیشتر مصاحبه‌شوندگان از خبر آغاز مذاکرات خرسندند و آن را توفیقی برای کشور می‌دانند.^{xxii} افراد سنتی و سالخورده بر آنند که از غرب ارمغانی جز بدی نمی‌رسد و باید گمانی به شرایط اتحادیه اروپا می‌نگرند.^{xxiii} به هر رو همه اذعان دارند که این آغازی برای گذشتن از هفت خواهی‌های دیگر است، ولی دست کم خط آهنی که به سر منزل مقصود می‌رسد کار گذاشته شده است.

در نظر نخست عضویت در اتحادیه برای مردم عادی از نظر سیاسی به معنای آزادی و مساوات بیشتر است که هیچ انسان عاقلی حتی در

ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا مورد تأکید قرار گرفت و گفته شد پیوستن آن می‌تواند در بسیاری از مناطق و کشورهای بی‌ثبات همسایه مانند کشورهای خاورمیانه، مدیترانه، قفقاز و آسیای مرکزی اثر مثبت بر جای نهد.^{xxviii}

نیروی کار

در حالیکه مخالفین، از هجوم نیروی کار فراوان و ارزان این کشور به اروپا هراس دارند. طرفداران پیوستن ترکیه بکارگیری نیروی جوان، تازه نفس و ارزان را، به شرط منظم و اصولی بودنش گونه‌ای امتیاز برای کشورهای اتحادیه می‌دانند. به نظر آنها جمعیت کشورهای اروپایی پیر و فرسوده است و خواه ناخواه نیاز به وارد کردن نیروی کار از هر راه ممکن همچون مهاجرت و استخدام کارگر خارجی دارد و بهتر است که این نیروی کار از کشوری که عضو اتحادیه می‌باشد تأمین شود که منافع اقتصادی آن نصیب خود اتحادیه شود.

ترکیه با جمعیت جوان ۷۰ میلیونی و ۲ و ۳ درصد رشد، شاید نزدیکترین کشور مسلمان به اروپا باشد که کم‌رنگ‌ترین گونه اسلام را در منطقه داراست.^{xxix}

موافقان پیوستن ترکیه بیشتر ایرادات مخالفین مانند، ناکافی بودن اصلاحات قانونی، حقوق بشری و اقتصادی، فرهنگ برتر کشور و... را با این استدلال که همه آنها در فرصت ده تا پانزده ساله مذاکرات قابل حل و فصل است، وارد نمی‌دانند.

در پارلمان اروپا در پاسخ به نمایندگان که مسلمان بودن ترکیه را مشکلی در راه عضویت، می‌شمرند، برخی دیگر مانند نماینده لیبرال دموکرات انگلستان حضور ۲۰ میلیون نفر مسلمان در اروپا را به میان آوردند.^{**} به نظر موافقین این کشور، چه از نظر اقتصادی و چه به جهت یاری در برنامه‌های دفاعی اروپا که با تصویب قانون اساسی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد، نقشی بسزا خواهد داشت.

ناگفته نماند که برای جلب بیشتر طرفداران اروپایی، ترکیه نمونه‌ای از مزایای اقتصادی پیوستن را در ماه سپتامبر به نمایش گذاشت. یعنی زمان کوتاهی پیش از صدور گزارش کمیسیون مبنی بر توصیه آغاز مذاکرات، اعلام کرد که قصد دارد

رده‌های گوناگون معتقدند که با توجه به رابطه دیرینه ترکیه با اروپا و داشتن حکومتی قائل به جدایی دین از سیاست، دموکراسی و احترام به حقوق بشر زمان آن است که درهای اتحادیه اروپا به روی ترکیه مسلمان گشوده شود.^{xxv} برخی فراتر رفته و عضویت ترکیه را ابزاری می‌پندارند برای رد نظریه تروریستی که آشتی اسلام و مسیحیت و همکاری این دورا ناممکن می‌دانند.^{xxvi}

همچنین موافقین معتقدند که آغاز مذاکرات، فرصت مناسبی برای اروپائیان است که بیشتر، استراتژی آمریکا در جنگ با ترور را یک بُعدی می‌خوانند و بر این باورند که تمام زرادخانه آن کشور نمی‌تواند از راهی مناسب و سازنده، جهان اسلام را به رویارویی با تندروی برخی از مسلمانان ترغیب کند و تا کشورهای اسلامی وضع اقتصادی مطلوبی نداشته باشند، مقصود حاصل نمی‌شود.^{xxvii} پیوستن ترکیه به اروپا نشان می‌دهد که مسیحیان و مسلمانان نه تنها در یک کشور فرضی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان می‌توانند در کنار هم زندگی کنند، بلکه قادرند که در یک اتحادیه، منافع مشترکی را بی‌گیرند و چنین است که تبلیغات اسلام‌گرایان تندرو و برخی از گروه‌های تندرو اروپایی در عمل بی‌اثر می‌شود.

شرایط استراتژیک ترکیه

پیروان پیوستن ترکیه، بر آنند که این کشور همواره شرایط استراتژیک پر اهمیت خود را حفظ کرده و با فروپاشی کمونیسم در شوروی و اروپای شرقی، نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده که بر آن افزوده نیز شده است. این عده به جنگ ۱۹۹۰-۱۹۹۱ خلیج فارس اشاره می‌کنند که هواپیماهای آمریکایی با بهره‌گیری از «پایگاه اینچ لیک» به شمال عراق حمله کردند.

بنا به استدلال موجود، نیمه اروپایی بودن جغرافیایی ترکیه، نه تنها کمبودی بشمار نمی‌رود، بلکه نوعی امتیاز است. قرار گرفتن این کشور در همسایگی ایران، عراق، سوریه، ارمنستان و گرجستان و نفوذ آن در جمهوریهای پیشین شوروی، همه و همه می‌تواند شکل تازه و مطلوبی را به نقشه جغرافیایی و استراتژیک اتحادیه بدهد. در گزارش کمیسیون اروپا اهمیت استراتژیک

○ بیشتر کردها که وضع زمان و شرایط جهانی را درک می‌کنند، مصمم‌اند که به راه حلی صلح‌آمیز در چارچوب حفظ تمامیت ارضی ترکیه دست یابند. پس از انفجار تروریستی یازده سپتامبر در مرکز تجارت جهانی نیویورک و در پی آن اجرای سیاست دولت آمریکا در رویارویی نظامی با تروریستها، دیگر محلی برای اقدامات جدایی‌خواهانه و تروریستی در جهان وجود ندارد.

برای خطوط هوایی کشور تعداد ۳۶ ایرباس را به بهای ۱۵ میلیارد دلار خریداری کند و در مورد تهیه فناوری هسته‌ای از فرانسه نیز احتمالاتی را به میان کشید.^{xxxii} این اقدام در واقع با هدف برقراری تعادل در روابط اقتصادی با آمریکا و اروپا، پس از خرید ۱۵ بوئینگ از آمریکا انجام می‌شد.

آرا و نظرات دولتی و حزبی نسبت به عضویت ترکیه در اروپا همواره در حال دگرگونی بوده، گرایش اعضای جامعه اقتصادی اروپای ۶ عضوی با جامعه اقتصادی ۱۰ عضوی و اتحادیه کنونی در برهه‌های زمانی گوناگون، تفاوت داشته است. در حالیکه برخی به گونه مستدل و با سرسختی از آن پشتیبانی می‌کنند، برخی دیگر یا دودل هستند و یا با نارضایتی تن به آن داده‌اند. در بین اعضای بزرگ، آلمان، انگلستان و ایتالیا به شدت از پیوستن ترکیه پشتیبانی می‌کنند. کشورهای کوچک مانند فنلاند نیز بیشتر منطق بسیار محکمی را در حمایت خود به دست می‌دهند.

آلمان با بیشترین جمعیت مهاجر ترک، به آغاز مذاکرات با نظر ویژه‌ای می‌نگرد. به‌ویژه دولت حاکم سوسیال دموکرات «شرودر» و وزیر خارجه‌اش «یاشکافیشر» از حزب سبز یکسره در مورد ترکیه اتفاق نظر دارند و در ماه‌های اخیر تلاش گسترده‌ای را برای عزم کردن مردم، گروه‌ها و دستجات گوناگون در کشور خود و نیز در صحنه اتحادیه برای رفع موانع انجام دادند. در توجیه دادن رأی مثبت یاشکافیشر می‌گوید که در شرایط تنش‌زای کنونی بین مسلمانان و غرب، بستن در بر روی ترکیه نتایج مصیبت‌باری خواهد داشت. ناگفته نماند، فیشر، جدا از هم رأی با صدراعظم و دولت، از حزبی است که نه تنها در آلمان بلکه در سراسر اتحادیه پشتیبان پیوستن ترکیه است.^{xxxiii} با وجود این هیچ‌یک از آنها از پیوستن ترکیه در آینده نزدیک حرف نمی‌زنند و همگی راه رسیدن به هدف را برای ترکیه محتمل، دراز و دشوار می‌بینند.^{xxxiii}

سبزه‌های اروپا که زمانی از مخالفین سرسخت پیوستن ترکیه بودند، با دیدن اصلاحات سریع و وسیع آن کشور یکسره تغییر موضع داده‌اند. با آنکه بیشتر احزاب اروپا بر سر تصمیم‌گیری در مورد

○ والری ژیسکار دستن

رئیس جمهور پیشین فرانسه که کار پراهمیت تدوین قانون اساسی اتحادیه را بر عهده داشت و هلموت اشمیت صدر اعظم پیشین آلمان هر دو از عضویت ترکیه با ترس و وحشت حرف می‌زنند. هلموت اشمیت در مصاحبه با خبرنگار هفته‌نامه آلمان دایزیت گفت که ورود ترکیه یعنی متلاشی شدن اتحادیه یا پایین آوردن آن به سطح يك «منطقه تجاری آزاد». ژیسکار دستن، دورتر رفته و گفته است با عضویت ترکیه باید فاتحه اتحادیه و رویای حکومت فدرال را خواند. وی از حامیان پیوستن ترکیه، بعنوان دشمنان اروپا یاد می‌کند.

به هر رو احزاب سبز از خط کلی کمیسیون پشتیبانی می‌کنند، آنها ترکیه را جدا از نمونه‌هایی مانند مالت می‌دانند. ولی این تفاوت را عاملی بالنده برای ترکیه به‌شمار می‌آورند، زیرا ترکیه کشور بزرگی است. دوم آنکه سبزه‌ها معتقدند که نباید عجله کرد و زمان لازم است تا بقیه اصلاحات انجام شود و هر دو طرف آماده شوند؛ وضع اقلیتها مانند افراد ترکیه و حقوق زنان باید بهبود یابد و در مورد موضوعاتی سیاسی مانند کشتار ارمنی‌ها در زمان امپراتوری عثمانی و شناسایی قبرس گفتگو شود.

مخالفت و موافقت کشورهای بطنی به قدمت آنها در اتحادیه یا اندازه آنها ندارد. در حالیکه کشورهایمانند اتریش و هلند اظهار بدبینی و نگرانی از سیل مهاجرت و فشار اقتصادی ناشی از عضویت ترکیه در آینده می‌کنند و معتقدند که اروپا هزینه زیادی برای آن باید بپردازد؛ کشورهای اسکاندیناوی از توسعه و گسترش اتحادیه، به ویژه از عضویت ترکیه پشتیبانی می‌کنند. این کشورها به درجات گوناگون با آغاز مذاکرات موافق بوده و همواره گفته‌اند که امتیازات عضویت ترکیه بیش از ضررهای آن است.^{xxxv}

در میان اعضای بزرگ و بنیان‌گذار اروپای متحد، فرانسه مانند همیشه خواهان نمایش سیاست مستقل خود است. از يك سو پشتیبان اتحادیه‌ای سخت در هم تنیده و متحد است و از سوی دیگر دست کم موافقت شیراک با پیوستن ترکیه به ظاهر به معنای کمرنگ شدن هدف مذکور است. ناگزیری سیاست «نه سیخ و نه کباب» را برگزیده است، یعنی از يك سو برای دستیابی به آرای طرفداران ترکیه، مانند مسلمانان فرانسه با آغاز مذاکرات موافق است و از سوی دیگر در پاسخ به اعتراضات احزاب مخالف،

بود. در واقع قائل شدن کمیسیون اروپا به برقراری شرایط گوناگون و به درازا کشیدن دوره مذاکره برای رفع دلوایسی‌های موجود است. بسیاری از سیاستمداران قدرتمند و حاکم در آلمان، فرانسه، اتریش، هلند و دیگر کشورهای اتحادیه سرسختانه در برابر موافقین موضع گرفته‌اند.

نگرانی ژرف و اعلام خطر، هم از سوی رهبران جوانتر مانند سار کوزوی، از حزب حاکم فرانسه و آنجلا مرکل رهبر حزب مخالف دموکرات مسیحی آلمان، شنیده می‌شود و هم از سوی سیاستمداران کهنه کار و بازنشسته ولی با نفوذ. والرئ ژیسکار دستن رئیس جمهور پیشین فرانسه که کار بر اهمیت تدوین قانون اساسی اتحادیه را بر عهده داشت و هلموت اشمیت صدراعظم پیشین آلمان هر دو از عضویت ترکیه با ترس و وحشت حرف می‌زنند. هلموت اشمیت در مصاحبه با خبرنگار هفته‌نامه آلمان دایزیت گفت که ورود ترکیه یعنی متلاشی شدن اتحادیه با پایین آوردن آن به یک «منطقه تجاری آزاد».^{xxxix} ژیسکار دستن، دورتر رفته و گفته است با عضویت ترکیه باید فاتحه اتحادیه و رویای حکومت فدرال را خواند. وی از حامیان پیوستن ترکیه بعنوان دشمنان اروپا یاد می‌کند.

میزان اختلاف نظر بین رهبران سیاسی و نمایندگان در پایتخت‌های اروپایی بر سر این موضوع در هفته‌های پیش از تصمیم‌گیری نهایی، به حدی بود که جلسات پارلمان و حتی کابینه کشورهای نظیر فرانسه را، به علت بحث‌های شدید در بین حزب حاکم با اشکال مواجه می‌کرد.^{xl}

درخواست رأی‌گیری مخفی از سوی نمایندگان احزاب دست راستی در جلسه مورخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ پارلمان اروپا که به شدت از سوی نمایندگان احزاب سبز، سوسیالیست و لیبرال رد شد، نشانی دیگر از شکاف ژرف در احزاب است. شکافی که پر شدن آن زمان درازی لازم دارد.^{xli}

علل اساسی مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در سراسر اروپا به شرح زیر است: پر جمعیت بودن ترکیه و احتمال مهاجرت گسترده نیروی کار به اروپا؛ مسلمان بودن ترکیه؛ اوضاع اقتصادی نامطلوب؛ وضع حقوق بشر و

احزاب مؤتلف و حتی حزب خودش و بالاتر از همه نظر اکثریت مردم فرانسه راه حل غریب همه‌پرسی را پیشنهاد کرده است.^{xxxvi} شاید پیشنهاد همه‌پرسی تنها مفر برای زمان حاضر باشد.^{xxxvii} بنظر برخی از اتحادیه‌شناسان، پاریس به جای کارشکنی مستقیم، با طرح موضوع همه‌پرسی کشورهای دیگری مانند اتریش راهم در پی خود می‌کشد.

با وجود نمایش همفکری آلمان و فرانسه، این دو همواره در رقابت با یکدیگرند برخی ورود ترکیه را به نفع آلمان در رقابت با فرانسه می‌دانند. از دیگر دولت‌های طرفدار ترکیه، انگلستان است. با آنکه این کشور مانند آلمان، ایتالیا و فرانسه از اعضای اولیه جامعه اقتصادی اروپا نیست و از «بدگمانان اتحادیه» به‌شمار می‌رود که هنوز یورو و شینگن را نپذیرفته است، ولی از نظر مساحت، جمعیت و قدرت اقتصادی از اعضای مهم آن است که قدرت آمریکا را هم به نیابت از آن در اروپا یدک می‌کشد. این کشور در موافقت با آغاز مذاکرات و ترغیب دیگران سهم بزرگی بازی کرد.

نظرات مخالفین عضویت ترکیه

با وجود توصیه ۶ اکتبر ۲۰۰۴ کمیسیون، رأی اکثریت پارلمان و تصمیم سران اتحادیه اروپا مبنی بر آغاز مذاکرات، معترضین دست از مخالفت برنداشته و استدلال‌های خود را که برخی متکی بر واقعیات موجود و از موارد شنیدنی و برخی دیگر از روی تعصب، است به میان می‌کشند. آنان در همه کشورهای اتحادیه، در بیشتر دولت‌ها و پارلمان‌ها و در میان احزاب، گروه‌ها طبقات گوناگون مردم وجود دارند، در موافق‌ترین کشور اتحادیه یعنی آلمان، تا مخالف‌ترین آنها، یعنی اتریش نظرات همگونی را برای جلوگیری از ورود ترکیه می‌شنویم، مخالفت‌هایی که در سطح دولتی، تا حدودی، به علت اتفاق و همراهی با دیگر دولت‌ها کاهش یافته^{xxxviii} ولی در سطوح پائین تر پابرجاست و انتظار نمی‌رود که به این زودی از بین برود. برخی از نظرات و نگرانی‌های مخالفین را موافقین می‌پذیرند ولی معتقدند که باید دست از اعتراض تنها و بهانه‌جویی برداشت و به فکر چاره‌اندیشی و یافتن تضمین‌هایی

○ علل اساسی مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در سراسر اروپا به شرح زیر است:
پر جمعیت بودن ترکیه و احتمال مهاجرت گسترده نیروی کار به اروپا؛ مسلمان بودن ترکیه؛ اوضاع اقتصادی نامطلوب؛ وضع حقوق بشر و آزادی‌های فردی و حقوق زنان؛ قدرت ارتش؛ وضع اقلیت‌ها و موضوع شناسایی قبرس.

آزادیهای فردی و حقوق زنان؛ قدرت ارتش؛ وضع اقلیتها و موضوع شناسایی قبرس.

در اساس عامل جمعیت، مهاجرت، دین، فرهنگ و اقتصاد؛ به شکل چرخه‌ای در بحثهای مخالفین عضویت ترکیه به میان می‌آید که همه در ارتباط با هم و تشدید کننده یکدیگرند. بهر رو برای آسانی ادامه بحث این عوامل را به شکل کمابیش جداگانه‌ای بررسی می‌کنیم.

جمعیت

به نظر مخالفین اگر ترکیه به اتحادیه بیوندد تعداد افرادی که در کل، جمعها به مسجد می‌روند بیش از مسیحیان پروتستانی هستند که روز یکشنبه به کلیسا خواهند رفت. در یک دهه جمعیت ترکیه بیش از جمعیت آلمان خواهد بود و با نظام رأی گیری جدید که بر پایه میزان جمعیت کشور استوار است، ترکیه به اندازه ۱۸ کشور کوچک اتحادیه اروپا در شورای وزیران یعنی بر قدرت‌ترین نهاد اتحادیه رأی خواهد داشت.

مهاجرت (اسلام)...

موضوع مهاجرت از داغترین مباحث چند ماه گذشته بوده است. در بزرگ کردن آن، عده‌ای راه مبالغه را پیموده و می‌گویند با ورود ترکیه به اتحادیه، سالی یک میلیون به تعداد فعلی ترکها افزوده می‌شود و کار اروپا را در آمیزش مهاجرین مسلمان (جمعیت کنونی مسلمانان ۱۳ تا ۱۵ و به نظر برخی ۲۰ میلیون نفر است) دشوارتر خواهد کرد.^{xliii}

از میان معترضین به این موضوع، احزاب دست راستی افراطی ضد مهاجرت مانند، «حزب آزادی اتریش»، «میثاق شمالی ایتالیا»، «حزب مردم اتریش» و «حزب پیشرفت تروز» هستند که با احزاب مشابه در آلمان، بلژیک، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی همکاری سیاسی دارند. جدا از سیل مهاجرت در چند دهه اخیر و فراوانی مهاجرین در برخی از کشورهای اروپایی که نوعی بیگانه‌ستیزی را سبب شده؛ بمب گذاری در قطار مادرید در بهار سال ۲۰۰۴ و ماجرای اخیر ترور «تسوون گوگ» در هلند، حمله به مسلمانان را افزایش داده و بالطبع کار پشتیبانی از ترکیه را مشکل تر کرده است.^{xliii}

مخالفین، تنها اعضای احزاب دست راستی تندرو نیستند، برخی از میانه‌روها مانند نخست‌وزیر فرانسه، «ژان پیر رافارین» نیز موضع کمابیش مشابهی دارند. رافارین، می‌گوید؛ ما نمی‌خواهیم اسلام بر بستر رودخانه «جدایی دین از سیاست» اروپا جاری شود. در اساس همیشه فرانسه به داشتن این نظام افتخار می‌کند و برای اثبات این امر، حجاب در مدارس دولتی را ممنوع کرد. برخی می‌گویند که اگر اتحادیه (در واقع پارلمان اروپا)، ظرفیت پذیرفتن نامزد ایتالیایی کاتولیک را برای مقام کمیسر دادگستری ندارد، چگونه می‌تواند روزی یک مسلمان بنیادگرا را بپذیرد.

افزایش حساسیت نسبت به مسلمانان در اروپا سبب شده است که امور مربوط به آنان با دقت و موشکافی دنبال شود. برای نمونه احزاب دست راستی اظهار می‌دارند که برای چهار سال پی در پی، نام محمد برای کودکان پسر که در بروکسل بدنیا آمده‌اند، بیش از نامهای دیگر برگزیده شده است. یک حزب دست راستی دانمارک چندی پیش در پوستر انتخاباتی خود دختر بلوند جوانی را نشان می‌دهد و زیر آن نوشته شده است، «وقتی که این دختر باز نشسته شود، بیشتر جمعیت دانمارک را مسلمانان تشکیل می‌دهند.^{xliiv}

برای بیشتر مردم متعصب اروپا نخستین اثر عضویت ترکیه، سیل مهاجرت افرادی است که نظایر آن را به شکل مسلمانان آسیایی در انگلستان، اعراب آفریقایی در فرانسه و ترکها در آلمان، هلند و بروکسل دیده و میزان هماهنگی آنها را با ارزشهای فرهنگی غربی سنجیده‌اند. به همین علت برخی از مردم اروپا معتقدند که به کلی اهمیتی ندارد ترکیه چه نوع اصلاحاتی انجام می‌دهد، این کشور نباید به اتحادیه بیوندد. در برابر مقامات ترک، مخالفتها را ناشی از بی‌اطلاعی اروپائیان می‌دانند!^{xliv}

تداوم نقض حقوق بشر و شکنجه، یکی دیگر از موارد مخالفت شدید در سراسر اروپاست. افراد زیادی مانند «هانس گرت پاترینگ» از آلمان (محافظه کاری که به حزب «مردم اروپا» وابستگی دارد) می‌گویند، گزارش کمیسیون مبنی بر انجام اصلاحات مربوط به ارتقاء حقوق بشر و منع شکنجه، بی‌اساسترین ارزیابی این نهاد در سال

○ برای بیشتر مردم متعصب اروپا نخستین اثر عضویت ترکیه، سیل مهاجرت افرادی است که نظایر آن را به شکل مسلمانان آسیایی در انگلستان، اعراب آفریقایی در فرانسه و ترکها در آلمان، هلند و بلژیک دیده و میزان هماهنگی آنها را با ارزشهای فرهنگی غربی سنجیده‌اند. به همین علت برخی از اروپائیان معتقدند که به کلی اهمیتی ندارد ترکیه چه نوع اصلاحاتی انجام می‌دهد، این کشور نباید به اتحادیه بیوندد.

۲۰۰۴ به‌شمار می‌رود. به‌نظر او و تعداد بیشماری دیگر عضویت ترکیه آرامش و امنیت را از اتحادیه اروپا خواهد گرفت.

مخالفت اروپائیان با ارزشهای اسلامی، به‌ویژه نوع تندرو آن بر کسی پوشیده نیست. تا جایی که برخی از صاحب‌نظران ترك و حتی اروپایی معتقدند که تمام ایرادات مربوط به وضعیت حقوق بشر و آزادیهای اقتصادی و غیره بهانه‌ای بیش نیست و موضوع اصلی نگران‌کننده برای مخالفین، دین و فرهنگ مردم و تغییر چهره اتحادیه از نهادی مسیحی به نهادی مختلط است.^{xlvi}

دو موضوع دین و فرهنگ به تناوب در استدلال‌های مخالفان به‌کار می‌رود. برخی به‌گونه‌ای مستقیم موضوع دین و برخی دیگر فرهنگ متفاوت کشور را به میان می‌کشند. هرچند این دو، عواملی توأم‌اند، ولی می‌توان جداگانه نیز در مورد آنها بحث کرد. با آنکه مردم ترکیه، به‌میزان دیگر کشورهای خاورمیانه پایبندی مذهبی ندارند و دین از سیاست جداست و فرهنگ این کشور نیز در سالها تماس با غرب رنگ دیگری دارد، در تحلیل‌هایی هراس و وسواس در پذیرش جامعه ۷۰ میلیونی مسلمان است که بر پایه تجربه تاریخ گذشته، می‌تواند هر زمان که موقعیت دست دهد، بر ضد رژیم حاکم برانگیخته شود.

در زمینه دین و فرهنگ، یکی از مقامات ارشد «کنفرانس اسقف‌های کاتولیک رومی ایتالیا»، به نام اسقف بتوری می‌گوید که اتحادیه پیش از بررسی عضویت ترکیه، می‌بایستی اهمیت اول را به کشورهایمانند اوکراین و مولداوی بدهد که فرهنگ اروپایی دارند. و اتیکان بر این اعتقاد است که مسیحیت اثر زیادی در فرهنگ اروپایی داشته و بدین ترتیب کشورهای مسیحی، فرهنگی جدا از کشورهای غیر مسیحی دارند و حضور مسلمانان در اتحادیه مانند وصله ناجور است. به گمان اسقف «بتوری» ترکها وارث فرهنگی جدا از فرهنگ اروپا هستند.^{xlvi}

بیشتر نظر سنجیها نشان می‌دهد که بیشتر مردم، بایبوستن فوری مخالف‌اند. برای نمونه اکثریت فرانسویانی که در ماه سپتامبر، مورد سنجش قرار گرفتند؛ مخالفت خود را بایبوستن

فوری ترکیه اعلام کردند، ولی ۶۳ درصد از همان مردمان بایبوستن ترکیه، پس از ده سال و پس از انجام اصلاحات و دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی لازم‌روی موافق نشان دادند.

جدا از بُعد فرهنگی، اروپائیان به مهاجرت جمعی احتمالی ترکها به لحاظ بُعد اقتصادی و جمعیتی آن نیز با دلواپسی می‌نگرند. برای نمونه در حال حاضر آلمان بیش از دو میلیون نفر ترك را در خود جای داده است، افزایش چشمگیر در این رقم به گمان برخی، بیش از میزانی است که کشتوری با اندازه آلمان می‌تواند بپذیرد.^{xlvi} بسیاری از مخالفان در کشورهای کوچک بر این عقیده‌اند که مهاجرت ترکها، ترکیب جمعیتی آنها را بهم می‌زند.

بدلیل بالا برخی معتقدند که با وجود تمام اصلاحات و قول اصلاحات بیشتر، باید راه دیگری را به جای عضویت کامل برای پیوند با ترکیه یافت. برای نمونه، رهبر حزب مخالف دموکرات مسیحی آلمان «آنجلا مرکل»، برای ترکیه «شراکت ممتاز» را پیشنهاد می‌کند. میزان مخالفت مرکل به اندازه‌ای است که بیم آن می‌رود، بعد از انتخابات عمومی آینده در صورت پیروزی وی، حمایت آلمان از ترکیه رنگ ببازد.

شاید اگر ترکیه کشور کوچکی بود، تا این اندازه ایجاد حساسیت نمی‌کرد، ولی مجموع خصوصیات این کشور، با ۷۰ میلیون جمعیت مسلمان، فقیر و بیشتر آسیایی که هنوز بسیاری از قوانین مربوط به حقوق بشر و آزادیهای اساسی اروپایی در آن اجرا نمی‌شود، هاله‌ای از نگرانی و بی‌اطمینانی را بوجود می‌آورد که حتی خوش‌بینان و طرفداران را در برداشتن قدمهای مثبت، دچار تردید و دودلی می‌کند. حاصل آنکه برقراری شرایط برای عضویت، عادی‌ترین تمهید و نصب دریچه‌های اطمینان است.

تضمینهای اتحادیه برای شروع^۳

مذاکرات و واکنش ترکیه^{xlix}

تا آخرین لحظات پیش از تصمیم‌گیری پارلمان و سران اتحادیه، مخالفین هنوز جایگزینهای مانند «عضو مرتبط»، «شريك خاص» و غیره را به میان

○ منتقدان عضویت ترکیه

می‌گویند که پشتیبانی آمریکا و انگلستان از آنکارا به این امید است که آن کشور با جمعیت ۷۰ میلیونی خود، مانع تشکیل اروپای فدرال به مرکزیت برلن و پاریس گردد.

گروهی از صاحب‌نظران نیز بر این باورند که ترکیه پس از عضویت، در اتحادیه بیش از پیش به اروپا نزدیک خواهد شد. بدین ترتیب، پیوستن یا جدایی ترکیه، هر دو به نوعی یکی از عوامل اختلاف بین آمریکا و اتحادیه خواهد بود.

می کشیدند، ولی موضع سخت و آشتی ناپذیر اردوغان و حامیان ترکیه مبنی بر «زشت و نامطلوب بودن» این پیشنهادات که به گمان آنها حاکی از اجتناب ناپذیر بودن برخورد بین اسلام و غرب می باشد، راهی برای اتحادیه باقی نگذارد مگر آنکه به توصیه تاریخی مورخ ۶ اکتبر کمیسیون اروپا عمل و سوم اکتبر سال ۲۰۰۵ را برای آغاز مذاکرات تعیین کند. ناگفته نماند که بعنوان ضد حمله، مقامات ترکیه در چند ماه اخیر حتی این موضوع را به میان آوردند که اجلاس سران در کپنهاگ در سال ۲۰۰۲ مقرر کرده بود که در صورت انجام اصلاحات قانونی، حقوق بشری و اقتصادی، در سال ۲۰۰۴ در مورد عضویت آن کشور تصمیم گیری شود و نه فقط «مذاکرات برای عضویت»^۱

نخست وزیر ترکیه پس از اجلاس سران در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴ و در بازگشت به کشور، تصمیم سران اتحادیه را موفقیتی بزرگ ولی نه تمام عیار خواند.^۲ با وجود شرایط سنگین، او بیشتر به دو پیروزی خود اشاره کرد. نخست اینکه عضویت ترکیه در پایان مذاکرات پیش بینی شده است. موضوعی که حتی توصیه کمیسیون آنرا در بر نمی گرفت. دوم آنکه وی گامی دیگر به هدف اصلی اش، یعنی حصول سازش بین دنیای اسلام و مسیحیت نزدیک شده است.^۳

بیشتر شرایط تعیین شده از سوی اتحادیه موارد زیر است:

گفتگوهای طولانی و تعیین نکردن تاریخ عضویت؛ تعلیق مذاکرات در صورت سرپیچی از قواعد بازی؛ طرح اصلاحات بیشتر؛ وضع قواعد دایمی برای نقل و انتقال نیروی انسانی و شناسایی قبرس.

با آنکه ترکیه تحسین شد ولی اروپا خواهان اصلاحات وسیعتر و تقویت و تکمیل اصلاحات پیشین در زمینه حقوق بشر، آزادی بیان، منع شکنجه، آزادی مذهبی، ارتقاء حقوق اقلیتها، زنان و اتحادیه های کارگری بود.^۳

تضمین دیگر، قطع گفتگوهاست. در صورت نقض جدی و مداوم اصول آزادی، اتحادیه گفتگوها را به عقب خواهد انداخت، و محدودیت زمانی

○ برخی احتمال می دهند که با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، روابط دوسوی آتلانتیک به شکلی نامنتظر دگرگون شود به گونه ای که شکاف موقتی کنونی را همیشگی کند. به نظر این گروه، ممکن است روابط سنتی و نیرومند ترکیه با اسرائیل در سیاستهای اروپا در خاور میانه اثر بگذارد یا بر عکس روابطش با آمریکا و اسرائیل به سردی گراید و در نتیجه شکاف بیشتری در روابط اتحادیه با آمریکا در مورد سیاست در خاور میانه ایجاد کند.

با آنکه این نوع شرایط در نگاه اول مطلوب به نظر نمی رسند ولی روشنفکران استانبول که بیشتر رسانه ها را زیر نظارت خود دارند و دولت که هنوز در ترس از تسلط ارتش بر امور سیاسی است، نظارت بر اجرای قوانین، وضع قوانین بیشتر و اجرای اصلاحات را مثبت به شمار می آورند.

برخی مفسرین غربی نیز معتقدند که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه همواره شرایطی را ایجاد می کند که اصلاحات بدون فشار خارجی اجرائی شود. به نظر آنها در موارد چندی، دولت ترکیه قول اصلاحات را داده و در میانه کار آنها را کرده است. بهترین نمونه این امر، نقض قول حکومت «تانسو چیلر» در اجرای اصلاحات است؛ اصلاحاتی که در پی توافق با اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۶، برای برداشتن فشار از آن کشور، وعده داده شده بود. پس گذاشتن شرط گفتگوهای طولانی و قطع گفتگو در صورت تخلفی، با توجه به پیشینه امر توجیه پذیر است.

در نتیجه نظارت بر اوضاع داخلی ترکیه همانند گذشته ادامه خواهد داشت. اتحادیه طرف دو سه سال گذشته نیز بر تحولات قانونی، سیاسی، اقتصادی و غیره نظارت کامل داشته و در برابر هر گونه روندی که هماهنگ با معیارهای غربی برای حقوق بشر و آزادیهای اساسی نبوده، واکنش فوری و مؤثر نشان داده است. برای نمونه می توان از واکنش اتحادیه در برابر اقدام دولت ترکیه، در مورد جنایی کردن «زنا» در چارچوب قانون جدید کیفری آن کشور یاد کرد. با تهدید اتحادیه، نخست وزیر ترکیه ناگزیر تمام مجموعه قانون کیفری مزبور را پس گرفت.

به موضوع قبرس عنوان کرد و اروپائیان نیز گوش به زنگ تخلف از اصول حقوق بشر و یا گنجد شدن اجرای اصلاحات هستند.^{lx} شناسایی قبرس

از موضوعات منازعه برانگیز که بحث سختی در مورد آن در گرفت، شناسایی قبرس از سوی ترکیه بود.^{lxi} یونان، قبرس و بسیاری از رهبران و احزاب اروپا استدلال می کردند که چگونه می توان مذاکرات عضویت را با ترکیه آغاز کرد در حالیکه این کشور، قبرس، یعنی یکی از ۲۵ عضو اتحادیه را به رسمیت نمی شناسد. از سوی دیگر دولت ترکیه ادعا می کند، تمام تلاش خود را برای حل صلح آمیز این موضوع به خرج داده و با پذیرش طرح «کوفی آنان» در سال گذشته سهم خود را ادا کرده است.

توضیح آنکه نزدیک به سی سال پیش در پی کودتای بخش یونانی نشین برای پیوستن قبرس به یونان، نیروهای ترکیه بخش شمالی ترک نشین جزیره را تصرف کردند و این بخش نیز اعلام استقلال کرد. ترکیه تنها کشوری است که این رژیم را به رسمیت می شناسد و نیروهای آن هنوز در این بخش قبرس حضور دارند. در ابتدای سال ۲۰۰۴ کوفی آنان طرحی را برای اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی با حمایت اتحادیه اروپا پیشنهاد کرد که بخش ترک نشین و ترکیه آنرا پذیرفتند ولی بخش یونانی نشین از پذیرش آن سر باز زد و در نتیجه تنها این بخش وارد اتحادیه اروپا شد.

در این شرایط ترکیه ادعا می کند که قادر نیست که یک قدم دیگر به پس رود و مردم ترک قبرس را که ۳۰ سال با پشتیبانی آن کشور در صحنه بین المللی سرپا ایستاده اند تنها گذارد.^{lxii} به هر رو ایستادگی رهبران اتحادیه سبب شد که سرانجام دو طرف به سازشی دست یابند. به این ترتیب که ترکیه «موافقتنامه» ۱۹۶۳ (با جامعه اقتصادی اروپا) را شامل ده عضو تازه همراه با قبرس کند. ناگفته نماند که مقامات ترکیه و حتی رئیس دوره ای اتحادیه (هلند) به روشنی اعلام کرده اند که این به معنی شناسایی رسمی یا حتی دو فاکتوی قبرس نیست. به هر صورت به گمان دو طرف این تحول راه را برای حل موضوع هموار خواهد کرد.

انتظارات بیشتری از ترکیه برای اصلاحات اقتصادی گسترده تر وجود دارد، برای نمونه بهبود وضع خدمات عمومی و کنترل بر هزینه های عمومی، افزایش خصوصی سازی و اصلاح نظام مالیاتی و اجرای آن برای مهار بازار سیاه گسترده، که نیمی از مشاغل را در بر می گیرد، از آن جمله اند. این اقدامات به گمان «ای سی دی» می تواند تورم با نرخ ۱۲ درصد کنونی را کاهش دهد و رشد اقتصادی را برای درازمدت و به شکل ثابت به میزان ۷ درصد در سال تأمین کند.^{lv}

در توجیه گزارش و شرایط وضع شده «رومانو پرودی» رئیس پیشین کمیسیون اروپا اظهار داشت که اتحادیه ترسی از عضویت ترکیه ندارد، ولی باید اطمینان یابد که آنچه در عرض ۵۰ سال بنا کرده است، مورد سازش قرار نخواهد گرفت؛ برای پیوستن کشورهای دیگر نیز نوعی بازدارندگی برای موارد تخلف از حقوق بشر در نظر گرفته شده بود و این رویه جدیدی نیست.^{lvi} شرایط سخت برای آنست که ترکیه اصلاحات را متوقف نکند. اعضا می خواهند اطمینان یابند که برنامه های مربوط به بودجه ترکیه و یا نیروی ارزان و فراوان آن کشور، به ضرر آنها نخواهد بود.^{lvii}

برای زدودن ترس اروپائیان از هجوم کارگران غیر ماهر و تحصیل نکرده، اتحادیه محدودیت های دائمی و سختی را برای مهاجرت آنها در نظر گرفته، همچنین برای رفع نگرانی از سرایت مسائل اقتصادی ترکیه و با اصطلاح فقیر کردن اروپا، اتحادیه تضمین هایی را پیش از بهره مندی آن کشور از یارانه های سخاوتمندانه کشاورزی و کمک های منطقه ای پیش بینی کرده است.

تنها نکته مثبت تصمیم سران برای ترکیه، این بود که گفتگوها برای عضویت است و شکل دیگری از روابط مورد نظر نیست.^{lviii}

باید گفت که اگر توصیه کمیسیون لرزش نخستین را بر اندام مخالفان عضویت ترکیه انداخت، تصمیم سران، آب پاکی را بر دست همگان، چه طرفداران و چه مخالفین در هر دو سوی مرز ریخت، تا هر دو سو، خود را آماده چانه زنیها کنند.^{lix} وزارت امور خارجه ترکیه گام نخست را برداشت و اعتراض خود را نسبت

○ با آنکه ترکیه از آغاز سده بیستم، راهی کمابیش جدا از دیگر کشورهای مسلمان مبنی بر جدایی دین از سیاست پیموده و روابط و پیمان نظامی-سیاسی با غرب داشته است، این وجه از سیاست داخلی و خارجی، ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت که به آن شکل یکسره اروپایی می دهد.

جورج بوش همچون رؤسای جمهور پیش از خود، پیوسته از ورود ترکیه به اتحادیه اروپا پشتیبانی کرده و این پشتیبانی را آشکارا و مرتب چه در واشنگتن در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ به هنگام دیدار اردوغان و چه در مسافرت به ترکیه به هنگام گردهمایی اعضای ناتو در استانبول در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۳، در دانشگاه «گالاتاسرای» با تأکید اعلام کرده است. وی پیوستن ترکیه را از دو جهت دارای اهمیت می‌داند. نخست آنکه این امر سبب بهبود روابط دنیای اسلام و غرب می‌شود، دوم آنکه نشان می‌دهد که اجرای کامل دموکراسی غربی در جامعه‌ای اسلامی امکان‌پذیر است. گذشته از درستی یا نادرستی این استدلال، اروپائیان از مداخله آمریکا در این زمینه خرسند نیستند.^{ixiii}

منتقدان عضویت ترکیه می‌گویند که پشتیبانی آمریکا و انگلستان از آنکارا به این امید است که آن کشور با جمعیت ۷۰ میلیونی خود، مانع تشکیل اروپای فدرال به مرکزیت برلن و پاریس گردد.^{ixiv} گروهی از صاحب‌نظران نیز بر این باورند که ترکیه پس از عضویت، در اتحادیه بیش از پیش به اروپا نزدیک خواهد شد.^{ixv} بدین ترتیب، پیوستن یا جدایی ترکیه، هر دو به نوعی یکی از عوامل اختلاف بین آمریکا و اتحادیه خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود با آغاز مذاکرات، از سرعت روند سیاسی شدن اتحادیه کاسته شود، زیرا این موضوع در همه‌پرسی که در برخی از کشورها برای اجرای قانون اساسی اروپا انجام می‌گیرد اثر خواهد گذارد. درستی این پیش‌بینی بعد از انجام همه‌پرسی، مشخص می‌شود.

برخی احتمال می‌دهند که با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، روابط دوسوی آتلانتیک به شکلی نامنتظر دگرگون شود به گونه‌ای که شکاف موقتی کنونی را همیشگی کند. به نظر این گروه، ممکن است روابط سنتی و نیرومند ترکیه با اسرائیل در سیاستهای اروپا در خاورمیانه اثر بگذارد یا برعکس روابطش با آمریکا و اسرائیل به سردی گراید و در نتیجه شکاف بیشتری در روابط اتحادیه با آمریکا در مورد سیاست در خاورمیانه ایجاد کند.^{ixvi}

آغاز مذاکرات ترکیه با اتحادیه اروپا با هدف نهایی عضویت در آن می‌تواند در روابط این کشور با کشورهای همسایه و مجاور آن اثرات فراوانی داشته باشد. نخست آنکه ترکیه ناگزیر است که به تدریج معیارهای اتحادیه را در روابط با آنها اعمال کند. اگر اتحادیه کشوری را تحریم می‌کند یا سیاست ویژه‌ای را در برابر آن در پیش می‌گیرد، ترکیه نیز گذشته از منافع ملی خود باید از آن پیروی کند. برای نمونه موارد لغور وادید با کشورهای همسایه تغییر خواهد کرد. پس از این، باید در بستن قراردادها و موافقتنامه‌ها با کشورهای همسایه، معیارهای اتحادیه رعایت گردد. صادرات و واردات سنتی نیز به گمان زیاد و به مرور تغییر مسیر می‌دهند.

با آنکه ترکیه از آغاز سده بیستم، راهی کمابیش جدا از دیگر کشورهای مسلمان مبنی بر جدایی دین از سیاست پیموده و روابط و پیمان نظامی-سیاسی با غرب داشته است، این وجه از سیاست داخلی و خارجی، ابعاد گسترده‌تری را به خود خواهد گرفت که به آن شکل یکسره اروپایی می‌دهد. پذیرش این امر از سوی کشورهای همسایه مسلمان و محافظه‌کار بی‌گمان تحولاتی را در پی خواهد داشت که به نوبه خود هم در اوضاع داخلی آنها و هم در روابط دوجانبه با این کشور اثر خواهد گذارد.

در این راستا امید اروپا و آمریکا آنست که عضویت ترکیه و تقویت دموکراسی در آن، به انتشار ارزشهای غربی در کشورهای همسایه بیانجامد و به نوبه خود، ترکیه الگویی برای این کشورها باشد. همچنین نوع تفکر بیشتر مردم آنها نسبت به غرب، دگرگون شود. توفیق این استراتژی بستگی به چگونگی برخورد کشورهای منطقه با عضویت ترکیه خواهد داشت.

نیروی کار ارزان و فراوان ترکیه از شانس اشتغال اتباع دیگر کشورهای منطقه در اتحادیه اروپا خواهد کاست و میزان مهاجرت آنها را کاهش می‌دهد، ولی در درازمدت با دریافت کمکهای اقتصادی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و در پی آن تقویت اقتصادی کشور و افزایش سطح زندگی

○ از نظر ترکیه، عضویت در اتحادیه اروپا امتیازات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار دارد و این کشور مدتهاست که خود را آماده آن کرده است. برای ورود به باشگاه اروپایی، ترکیه دست به اصلاحات قانونی برای ارتقاء دموکراسی، حقوق بشر، آزادیهای سیاسی، حقوق زنان و اقلیتها و آزادیهای اقتصادی زده است. ولی کمیسیون اروپا با وجود تحسین آن کشور، خواهان ادامه یافتن اصلاحات به شکل گسترده‌تری است.

مردم، گمان می‌رود که ترکها ترجیح دهند در کشور خود بمانند و حتی عده‌ای به کشور خود بازگردند. در این صورت فضای بیشتری در اروپا برای دیگر کشورها باز خواهد شد.

فشرده سخن

پس از سالها تلاش و اجرای اصلاحات وسیع از راه قانون گذاری به ویژه در دو سال گذشته سرانجام ترکیه موفق شد که اتحادیه اروپا را به شروع مذاکرات برای عضویت راضی کند. گفته می‌شود که با وجود موافقت دولتها، بسیاری از مردم اروپا، احزاب سیاسی و گروههای غیردولتی، با این امر مخالف بوده به علل عمده همچون وضع جغرافیایی، جمعیت زیاد، فقر و نیز مذهب و فرهنگ جداگانه، با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا موافق نیستند و پیوستن این کشور را به سان نابودی اتحادیه می‌دانند. ناگفته نماند که هیچ يك از هواداران پیوستن ترکیه، از دولتها و احزاب سیاسی، عضویت فوری را توصیه نمی‌کنند و از این جهت می‌توان گفت که تمام اروپا اتفاق نظر دارند.

از نظر ترکیه، عضویت در اتحادیه اروپا امتیازات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار دارد و این کشور مدتهاست که خود را آماده آن کرده است.

برای ورود به باشگاه اروپایی، ترکیه دست به اصلاحات قانونی برای ارتقاء دموکراسی، حقوق بشر، آزادیهای سیاسی، حقوق زنان و اقلیتهای آزادیهای اقتصادی زده است. ولی کمیسیون اروپا با وجود تحسین آن کشور، خواهان ادامه یافتن اصلاحات به شکل گسترده تری است.

مخالفین عضویت کامل در ماههای گذشته به ویژه تلاش کردند که گونه‌های دیگری از وابستگی همچون «شریک خاص» و غیره را جایگزین کنند، ولی ترکیه با شدت و سختی بر موضع خود یعنی کسب عضویت کامل تأکید ورزید.

با آنکه دولت ترکیه شرایط کمیسیون را پذیرفت ولی بسیاری از ترکها آنها را اعمال شیوه‌ای جدا از موارد پیشین درخواست پیوستن

خواندند. این شرایط که بیشتر آن را طولانی بودن مذاکرات، توقف آن در صورت تخلف از اصول حقوق بشر یا قطع روند اصلاحات و همچنین تعیین محدودیتهایی برای نقل و انتقال نیروی انسانی، در کشورهای عضو اتحادیه در بر می‌گیرد؛ بنا به شرایط ویژه این کشور پیش بینی شده است.

مردم به ویژه جوانان پایتخت و در واقع هسته مرکزی جامعه مدنی ترکیه با خوش بینی نسبی از تصمیم اتحادیه استقبال کردند ولی افراد مستتر جامعه، مانند همیشه با بدگمانی معمول خود نسبت به غرب، به آن نگر هستند.

با آنکه ترکها خواهان شرایط مساوی با سایر نامزدهای عضویت هستند، ولی این کشور در حقیقت جدا از موارد دیگر است و این جدایی به معنی کمی و کاستی آن نیست، بلکه بازتابی از واقعیتهای موجود است. ۱۰ یا ۱۵ سالی که بیشتر طرفداران ترکیه برای مذاکرات پیشنهاد می‌کنند، راهی برای آماده کردن مردم و نظام ترکیه و نیز مردم اروپا برای این تحول است.

شرط دیگر یعنی محدودیت مهاجرت ترکها به کشورهای اتحادیه، نیز به جهات گوناگون همچون مخالفت عمومی مردم اروپا از مهاجرت دسته جمعی پیش بینی شده است. با توجه به حضور میلیونها ترک در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی مهاجرت دسته جمعی، ترکیبهای جمعیتی را در بسیاری از کشورها دگرگون می‌کند.

توقف گفتگوها در صورت توقف روند اصلاحات یا ناتوانی دولت در اجرای اصلاحات هم برای مسواری که حزبی با گرایش جداگانه دست اندر کار امور شود در نظر گرفته شده است.

ترکها خود معترفند که پذیرش آغاز مذاکرات عضویت، برای اتحادیه تحول بزرگتری است، زیرا ترکیه سالهاست که تصمیم خود را برای دگرگونی و هماهنگی اتخاذ کرده ولی اتحادیه پیوسته در تردید بوده است و تصمیم اخیر، گزینش بین واقعیتهای موجود جهانی و منطقه‌ای و آرمانهای اروپایی بشمار می‌رود. برای نمونه اتحادیه اروپا

○ اتحادیه اروپا بر دولت ترکیه حجت را تمام کرده است که ارزشهای اروپایی مانند رعایت دموکراسی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی در هیچ شرایطی مورد سازش قرار نخواهد گرفت و در کنار تحسین کردن ترکیه برای تلاش پیگیر و بی‌امان برای ارتقاء موارد فوق و اتخاذ تصمیم برای شروع مذاکرات، از نزدیک روند امور را زیر نظر خواهد داشت و «پیمودن راه» برای ترکیه به درازا خواهد کشید.

توضیحات:

* لیبلا زنان عضو پیشین پارلمان ترکیه ده سال پس از بردن جایزه ساخاروف سرانجام، از زندان آزاد شد. پارلمان اروپا در سال ۱۹۹۵ جایزه ساخاروف را برای کارهای صلح آمیزش در زمینه توسعه و ارتقاء حقوق بشر به وی داد. لیبلا زنان، یک سال پیش از آن به اتهام همکاری با شورشیان کردیه زندان محکوم شده بود. در پی اعتراضات اتحادیه، دولت ترکیه او را در ماه ژوئن ۲۰۰۴ از زندان آزاد کرد. او در بیانات پذیرش جایزه خود اظهار داشت: دوران خشونت سپری شده و روش امروزی حل اختلافات، گفتگو، سازش و صلح است.

* برلن پایتخت ترکیه در اروپا، ۳۰۰ هزار نفر جمعیت ترک را در خود جای می‌دهد. همان‌گونه که برنج و کاری یا جوجه تنوری هندیها در انگلستان رواج دارد، دورتر کیاب نیز یکی از غذاهای ملی آلمانها شمرده می‌شود. با آساتر شدن قانون کسب تابعیت، بسیاری از ترکها تابعیت آلمانی یافته‌اند و از راه انتخابات در سیاست کشور دخالت دارند. سرور در انتخابات قبلی (۲۰۰۲) با کسب ۶۳۰۰۰۰ رأی ترکها انتخابات را با اختلاف کم از رقیبش برد، به همین جهت برخی او را «صدر اعظم کروزرگ» می‌خوانند. تا انتخابات عمومی بعدی تعداد رأی دهندگان ترک به ۸۰۰۰۰۰ نفر خواهد رسید و اینکه این تعداد به چه کسی رأی بدهند اهمیت دارد. اثر آرای مسلمانان در دیگر کشورها مانند فرانسه و انگلستان رو به افزایش است.

خود را باشگاه اختصاصی مسیحیان به شمار نمی‌آورد.

بر روی هم آغاز مذاکرات نشانگر اهمیت استراتژیک، سیاسی و اقتصادی ترکیه برای اروپا است که طرفداران عضویت ترکیه نیز به آن آگاهی کامل دارند.

پیوستن ترکیه خواه ناخواه در اوضاع داخلی کشورهای منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، قفقاز و آسیای مرکزی، در روابط دوجانبه این کشورها و ترکیه و نیز در روابط اتحادیه در جمع و بصورت انفرادی اثرگذار خواهد بود. این رویداد به نوبه خود تحولاتی در تاریخ روابط بین‌الملل است که آثار آن به مرور ظاهر خواهد شد.

اتحادیه اروپا بر دولت ترکیه حجت را تمام کرده است که ارزشهای اروپایی مانند رعایت دموکراسی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی در هیچ شرایطی مورد سازش قرار نخواهد گرفت و در کنار تحسین کردن ترکیه برای تلاش پیگیر و بی‌امان برای ارتقاء موارد فوق و اتخاذ تصمیم برای شروع مذاکرات، از نزدیک روند امور را زیر نظر خواهد داشت و «بیمودن راه» برای ترکیه به درازا خواهد کشید.

(فهرست منابع در دفتر نشریه موجود است)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی